

آشنایی با نسخه خطی مثنوی «ریشی نامه»

تذکره منظوم فارسی در احوال ریشیان کشمیر

رضوان الله آروی*

نویسنده شهیر و رُمان‌نویس اردو، شادروان قره‌العین حیدر، راجع به ایران صغیر، کشمیر جنت‌نظیر، نوشته است که دختران کشمیر آن‌قدر زیبا و جذّاب هستند که نظیر آن، در جهان کمتر دیده می‌شود. اما با وجود این حُسن و جمال، آنها عفت و پاکیزگی را دارا بوده‌اند و از همه فسق و فجور محفوظ و مصون مانده‌اند. نویسنده توجیه می‌کند که این از برکات قدوم میمنت لزوم صوفیان و عرفای کشمیر است که به این جهت، خداوند بزرگ، عصمت و عفت دختران کشمیر را، محفوظ داشته است. این دلیل نویسنده یادشده، صد در صد درست می‌باشد، برای اینکه مبلغان اسلام و صوفیان که به کشمیر نزول کردند، اثر جاودانی گذاشته‌اند و از انفاس پاک آنها در کشمیر یک جامعه اسلامی تشکیل شده که هنوز به نظر می‌آید و ان‌شاءالله تا روز آخر موجود خواهد بود. نویسنده دیگر، درباره نزول صوفیان کثیر به کشمیر و اسباب مختلف آن می‌نویسد که آن کوه و وادی و آن غارها که خدا به کشمیر ارزانی داشته است، برای صوفیان خیلی جذبه و کشش دارد. از این است که آنها به‌کثرت در کشمیر وارد شده‌اند و برخی شان از خلق دور، نزد کوه در بُن غار در عبادت و ریاضت زندگی کرده‌اند. راجع به این صوفیان که در میان آنها، شاه همدان میر سید علی همدانی، و شیخ‌العالم حضرت شیخ نورالدین ولی شهرت به‌سزا دارند، اثرهایی مهم و به‌ترینی، در زبان فارسی و اردو و هم در زبان

* استادیار بخش فارسی کالج هر پرساد داس جین، آرا (بیهار).

انگلیسی وجود دارد. یکی از آنها، اثر مهمّ فارسی «ریشی‌نامه» است که از آن حضرت بهاء‌الدّین «متوّ» است که ایشان خود از صوفیان بزرگ بود.

حضرت ملّا بهاء‌الدّین «متوّ» کشمیری، به‌خانواده علمای بزرگ کشمیر وابستگی داشت. این خانواده «متوّ» از اسم نسبتی خویش معروف بوده است. علمای مهمّ دیگر کشمیر مانند، ملّا نصرالله آخوند، ملّا عبدالحق و مفتی هدایت الله و... به‌همین خانواده تعلق داشته‌اند. ملّا بهاء‌الدّین، در سلسله تصوف، مرید شاه عنایت الله بود و در صلاح و تقوی و تجرید و تفرید زندگی می‌کرد. حضرت ملّا بهاء‌الدّین شاعر چیره‌دست زبان فارسی و کشمیری هم بود و در شعر فارسی «بها» تخلص می‌کرد. او، به‌اصناف شعر بویژه به‌مثنوی علاقه فراوان داشت و مثنوی شاهکار او، موسوم به «ریشی‌نامه» در احوال ریشیان کشمیر خیلی معروف و ممتاز است. به‌علاوه، حضرت بهاء‌الدّین خمسه‌ای نوشته است، مشتمل بر پنج مثنوی، که اسم آنها ازین قرار است:

- ریشی‌نامه : در احوال حضرت نورالدّین ولی و دیگر ریشیان کشمیر؛
- سلطانیه : در احوال حضرت مخدوم شیخ حمزه؛
- غوثیه : در احوال غوث اعظم حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی؛
- نقشبندیه : در احوال صوفیان سلسله نقشبندیه که از احوال حضرت خواجه یوسف همدانی آغاز می‌شود و به‌حضرت خواجه عنایت الله نقشبندی به‌پایان می‌رسد؛
- چشتیه : در احوال بزرگان سلسله چشتیه که آغاز این مثنوی ذکر مبارک حضرت ابوبکر صدیق و اختتام آن به‌حضرت میان هاشم کشمیری است.

حضرت ملّا بهاء‌الدّین در سنه هزار و دویست و چهل و هشت (۱۲۴۸) هجری از دنیا به‌جنت رفت و در محله پتوان کشمیر به‌خاک سپرده شد. خدایش رحمت کند. در کتابخانه خدابخش پتنه، نسخه‌های خطّی مثنوی ریشی‌نامه، سلطانیه و غوثیه نگهداری می‌شود. این سه مثنوی در یک جلد و مشتمل بر سیصد و هفتاد و هشت برگ است. «ریشی‌نامه» از برگ یک شروع می‌شود و تا برگ یکصد و پانزده، ادامه می‌یابد. نسخه خطّی مثنوی «ریشی‌نامه» در کتابخانه خدابخش پتنه، تحت شماره ۱۹۲۸

(یکهزار و نهصد و بیست و هشت) ضبط شده است. درباره مطالب و موضوعات «ریشی‌نامه» نویسنده و شاعر حضرت ملّا بهاء‌الدین می‌نویسد:

«ابتداء ریشی‌نامه عنبر شمامه در شرح احوال منزویان خلوتخانه تجرید و باده
نوشان پیمانۀ توحید و تفرید حضرات ریشیان کشمیر رحمة الله علیهم که هر یک
دردانه عشق دریای توحیداند:

ریشیان نور مطلق‌اند همه خاصه حضرت حق‌اند همه
نامشان شهره جهانگیری هر طرف ریشیان کشمیری
همه شاهان ملک تجریداند همه مستان جام توحیداند^۱

مثنوی «ریشی‌نامه» در سنه هزار و دویست و هشتاد و پنج (۱۲۸۵) هجری به‌نگارش آمده است. کاتب سید ابراهیم قادری، در ترقیمه نسخه خطی مثنوی «ریشی‌نامه» می‌نویسد:

«کتاب ریشی‌نامه من تصنیفات محب‌الاولیا صادق و صفا آیین ملّا بهاء‌الدین
کشمیری بهید اضعف‌العباد مسمی سید ابراهیم قادری خلف سیادت پناه میر
احمد شاه المعروف به السادات‌اند و القادری بالتحقیق از اولادان قطب‌الاقطاب
حضرت شیخ سید عبدالقادر جیلانی فی ساعته اسعد هنگام ظهر یوم الاثنین فی
التاریخ ثانی عشر من شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۸۵ من هجرة النبویه علیه الصلوة
و السلام و علی آله و اصحابه الی قیام قیامة تحریر پذیر گردید»^۲.

مثنوی «ریشی‌نامه» از ذکر حضرت نورالدین ریشی ولی شروع می‌شود و به‌ذکر
حضرت بابا نوروز ریشی به‌پایان می‌رسد. نویسنده و شاعر حضرت بهاء‌الدین بهاء،
از آغاز تا زمان خود همه ریشیان و صوفیان کشمیر را تذکر داده است که بیشتر از آنها
خلفا و معاصرین حضرت شیخ نورالدین ولی بوده‌اند. مانند: بابا زین‌الدین، بابا بام‌الدین،
بابا لطیف‌الدین، بابا دریاء‌الدین، بابا ناصر‌الدین، بابا شرف‌الدین، بابا نجم‌الدین،
بابا قیام‌الدین، بابا روپی ریشی، بابا سزن ریشی، بابا شمس‌الدین، میر بابا ریشی،

۱. کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، از پروفیسور، عبدالقادر سروری، انتشارات مجلس تحقیقات اردو کشمیر، سرینگر، چاپ ۱۹۲۸ م، ص ۴۲-۲۴۱.

۲. نسخه خطی «ریشی‌نامه»، مخزونه کتابخانه خدابخش، پتنه، برگ ۵۱۱.

بابا حیدر لاری، بابا شکورالدین، بابا رجب‌الدین، بابا حاجی ریشی، بابا زیب‌الدین، بابا حنیف‌الدین، بابا مبارک، بابا پیام‌الدین، بابا بهرام ریشی، بابا نیکی ریشی و...

فهرست‌نویس تشریحی کتابخانه خدابخش

پتنه، نسخه خطی مثنوی «ریشی‌نامه» را همان‌طور معرفی می‌نماید:

“The work consists of three Daftars, the first of which i.e. *Rishinama* is devoted to the account of Nuruddin, his followers and contemporaries”¹.

پس از حمد و نعت و منقبت اهل بیت

اطهار و مؤسس سلسله قادریه حضرت شیخ

عبدالقادر جیلانی، ذکر حضرت شیخ نورالدین ولی، سرحلقه ریشیان کشمیر، آغاز می‌شود. درباره حضرت شیخ نورالدین معروف به علمدار کشمیر همان فهرست‌نویس تشریحی کتابخانه خدابخش مسمی به مولوی عبدالمقتدر اطلاعاتی هم می‌دهد که پدرش، مسمی به سالار دو پسر داشت، شش و کندرو. این هردو بدبختانه سارق شدند. سپس خداوند بزرگ در سنه هفت صد و هفتاد و نه (۷۷۹) هجری پسر سیوم به او اعطاء کرد. همان پسر نورالدین سالار ریشیان کشمیر شد. راجع به این واقعاتها فهرست‌نویس مزبور می‌نویسد:

“The account of the Rishis begins foll. 9^b with Shaikh Nuruddin Alamdar Kashmir. His father Salar was married to a woman Sudur Salar became the father of two sons Shash and Kandarū, both of whom turned out thieves. Subsequently, in A.H. 779 = A.D. 1379, Salar was provided with a third son called Nawindah Rishi, who later on became known as Nuruddin the first Rishi of Kashmir”².

نویسندگان کشمیر می‌گویند که پدر حضرت شیخ نورالدین ولی، قبلاً هندونژاد بوده است، بعداً به دست حضرت یاسمین ریشی اسلام آورد و سالار دین نام گرفت.

1. *Descriptive Catalogue of Persian Manuscripts*, Vol. 31, compiled by Molvi Abdul Muqtadir, published by Khuda Bakhsh Library, Patna, 1932 A.D., p.154.
2. Ibid.

حضرت شیخ‌العالم نورالدین ریشی در کشمیر به عنوان مؤسس فرقه ریشیان به شمار می‌آید. اهل اسلام و اهل هندو، هردو به آن جناب عقیده دارند. هندوها، حضرت نورالدین ولی را «نند رشی» می‌گویند.

حضرت شیخ‌العالم نورالدین ریشی در کشمیر به‌عنوان مؤسس فرقه ریشیان به‌شمار می‌آید. اهل اسلام و اهل هنود، هردو به‌آن جناب عقیده دارند. هندوها، حضرت نورالدین ولی را «نند رشی» می‌گویند حضرت نورالدین به‌دست مبارک حضرت سید میر محمد بن سید علی همدانی بیعت نمود و خلیفه و مجاز او گشت و به‌خطاب «قطب‌الآفاق» مشرف گشت. حضرت شیخ در سنه هشتصد و چهل و سه (۸۴۳) هجری به‌عقبی شتافت و نزد سرینگر در چرار شریف آسوده شد. شاعر مثنوی ریشی‌نامه، عدّه کثیری از ریشیان کشمیر را مفصلاً تذکر داده است که از آغاز تا زمان ایشان در کشمیر زیسته‌اند. ما در اینجا، چند تن از آنها را به‌اختصار معرفی می‌کنیم:

حضرت بابا بام‌الدین ریشی: ایشان، قبلاً یک نفر از قوم برهمن بود و بوما سادو نام داشت. در یک بتکده کشمیر ریاضت می‌کشید که در آن بتخانه سیصد و شصت اصنام وجود داشتند. اما به‌کوشش حضرت نورالدین ریشی او اسلام آورد و بام‌الدین نام گرفت. از خلق دور زندگی می‌کرد. در روستای کشمیر موسوم به‌بومه مزار مبارک ایشان هست.

بابا زین‌الدین ریشی: ایشان خلیفه خاص حضرت شیخ نورالدین ریشی بود. میهن او کشتوار بود و شجره نسب ایشان به‌راجگان کشتوار می‌رسد. در عهد طفولیت، پدرش درگذشت. همان شب، مادرش در خواب حضرت شیخ نورالدین را زیارت کرد. روز دیگر به‌خدمت حضرت نورالدین به‌همراه بچّه خویش حاضر شد. بابا زین‌الدین ریشی از ملاقات امرا و پادشاهان ابا می‌نمود و شاهان دنیا را تکریم نمی‌کرد. به‌همین جهت، پادشاه سلطان زین‌العابدین بدساه، بابا زین‌الدین را از کشور خود بیرون کرد و ایشان به‌جانب تبت رفت. اما پس از چندی، پادشاه ناراحت شد و پسر خود را به‌خدمت بابا زین‌الدین فرستاد و از ایشان عذرخواهی کرد. بابا زین‌الدین به‌کشمیر بازگشت. در محلّ عیش‌پوره زندگی کرد و همانجا فوت شد.

بابا شکورالدین: ایشان مرید و خلیفه بابا بام‌الدین و برادر کلان بابا رجب‌الدین ریشی بود. بابا شکورالدین، یکی از صوفیان شهیر کشمیر به‌شمار می‌رود. او همواره در باغات می‌گشت. در عهد سلطان زین‌العابدین به‌دنیا آمد و در عهد سلطان محمد شاه به‌عقبی رفت. مزار ایشان در جبل ویر موجود است.

بابا نوروز ریشی: ایشان در کشمیر در زمرة امراء به‌شمار می‌رفت و در ظلم و جور شهرت داشت. اما، یک نگاه فیض اثر بابا شیخ نیک ریشی کارکرد و او تایب گشت و در زمرة مریدان او شامل شد و تمام زندگی را در عبادت و ریاضت به‌سربرد. در سنه نُهصد و نود و هشت به‌جنت رفت.

بابا دریاء‌الدین ریشی: ایشان مرید و خلیفه بابا زین‌الدین ریشی بود. علمای آن زمان، ایشان را خیلی تکریم می‌نمودند. بابا دریاء‌الدین از فیوضات ریشیان دیگر آن دوره، مانند بابا شکورالدین ریشی، بابا پیام‌الدین ریشی، بابا حنیف‌الدین ریشی و شیخ شمس‌الدین ریشی مستفیض شد. او عمر خود را در بُن غار تمام کرد. چهل روز قبل از وفات خویش، بابا دریاء‌الدین ریشی همه را منع کرد که در غار نیایند و بعد از چهل روز بیایند. بعد از چهل روز دیدند که غار خالی است و هیچ نیست. همانجا زیارتگاه ساختند.

در اینجا فقط چند تن از ریشیان کشمیر معرفی شدند و بیشتر از آن ممکن نیست. معرفی همه ریشیان کشمیر، که در کتاب «ریشی‌نامه» حضرت بهاء‌الدین بها آمده، خیلی طول خواهد کشید. اما خالی از فایده نیست اگر ما فهرست عناوینی را، که نویسنده در احوال ریشیان مختلف کشمیر درج کرده است، نقل کنیم. این عناوین مثنوی «ریشی‌نامه» نشان می‌دهند که نویسنده و شاعر حضرت بهاء‌الدین بها، در جمع‌آوری احوال ریشیان کشمیر و حکایات و واقعات منسوب به آنها چقدر زحمت کشیده است. بدون شک، نویسنده مزبور، به‌صوفیان و ریشیان کشمیر، محبت قلبی داشت. به‌همین جهت، ایشان را «محب‌الاولیای» گفته‌اند.

در ضمن این عناوین درج شده، درخور تذکر است که به‌یک نگاه آن عناوین، محتوا و مطالب کامل این کتاب روشن می‌شود و به‌ویژه برای پژوهشگران خیلی مفید و سودمند خواهد بود. این تذکره منظوم «ریشی‌نامه» از حمد خدا آغاز می‌شود و به‌مناجات شاعر ختم می‌شود. شماره ترتیب این عناوین ازین قرار است:

♦ در بیان آنکه ظهورات و تعینات مرآت کمالات است و شیونات ذات واجب‌الوجوداند به‌لفظ کن همه را به‌ظهور آورده‌اند. (برگ ۱)

♦ در نعت حضرت سیدالمرسلین حضرت محمد رسول الله (ص). (برگ ۲)

- ◆ در بیان منقبت زبده‌الابرار خلیفه‌التحقیق حضرت ابوبکر صدیق. (برگ ۳)
- ◆ در بیان منقبت امیرالمؤمنین خلیفه ثانی حضرت فاروق اعظم. (برگ ۴)
- ◆ در بیان منقبت جامع‌القرآن حضرت عثمان ذی‌النورین. (برگ ۵)
- ◆ در بیان منقبت امیرالمؤمنین حضرت علی مرتضی کرم الله وجهه. (برگ ۵)
- ◆ در بیان مناقب جگرگوشه مصطفی و قره‌العین علی مرتضی و نوردیده فاطمه زهرا.
- ◆ امام حسن و امام حسین رضی الله عنهما. (برگ ۶)
- ◆ در بیان مناقب ائمه اثناعشر. (برگ ۶)
- ◆ در بیان مناقب زبده‌العاشقین حضرت امام محمد مهدی. (برگ ۷)
- ◆ شجره حضرات قادریه جناب غوث‌الاعظم حضرت سلطان شیخ عبدالقادر جیلانی. (برگ ۸)
- ◆ در ذکر معارف و حقایق آگاه مخدومی و مطاعی جناب حضرت شاه عنایت الله نورالله مرقده. (برگ ۸)
- ◆ ابتداء ریشی‌نامه عنبر شمامه در شرح احوال منزویان خلوتخانه تجرید باده نوشان پیمانه توحید و تفرید که هریک ذردانه عشق دریای توحیداند. (برگ ۹)
- ◆ ذکر در بیان حسب و نسب جناب شیخ‌العالم شیخ نورالدین علمدار کشمیر و شرح احوالات والدین و برادران ایشان اشارت به آن و مناجات کردن پدر ایشان و اجابت شدن به درگاه حق. (برگ ۱۰)
- ◆ ذکر در بیان تولد جناب حضرت شیخ نورالدین نورانی قدس سره و شرح احوالات ایشان در عهد طفولیت تا عهد جوانی. (برگ ۱۱)
- ◆ ذکر در بیان کشیدن برادران حضرت شیخ را به جهت کار دزدی و عیاری و پرهیز و اجتناب نمودن حضرت ایشان به جهت ترسناکی و پرهیزگاری. (برگ ۱۲)
- ◆ شکایت کردن برادران حضرت شیخ در پیش والده و منتفر شدن ایشان از اطوارهای حضرت شیخ و پند دادن به حضرت ایشان. (برگ ۱۳)
- ◆ ذکر در بیان رفتن حضرت شیخ در پیش بافنده به همراه والده خود به جهت آموختن کسب و هنر و هدایت یافتن بافنده از حضرت شیخ. (برگ ۱۴)

- ◆ ذکر در بیان آمدن حضرت شیخ در پیش والده و پرسیدن او از آموختن کسب و هنر و جواب دادن شیخ از احوالات باطنی و علم لدنی و گفتگوی با دیگران. (برگ ۱۶)
- ◆ طلوع نمودن آفتاب جهانتاب شاهد لولاک لما خلقت الافلاک بر حضرت شیخ و کامیاب مستفید شدن او. (برگ ۱۷)
- ◆ در بیان ترک نمودن حضرت شیخ خانمان تبار خویش و یافتن ذات ازلی. (برگ ۱۸)
- ◆ آمدن والده از کمال اشتیاق و محبت نزد غار به جهت استفسار آن در شهود و عجزواری کردن به جهت بیرون آمدن و اعتذار و عذر خواهی نمودن حضرت شیخ والده ماجده خود را. (برگ ۱۹)
- ◆ در بیان بانوی حضرت شیخ و رفتن وی بر در غار و باهمدیگر گفتگو کردن و پرهیز کردن حضرت شیخ از صحبت آن و جواب دادن. (برگ ۱۹)
- ◆ در بیان آمدن بانوی حضرت شیخ همراه کودکان شاید که به آن بهانه حضرت شیخ را از غار برآورد و کودکان در آنجا گذاشتن و ایشان جان به جان آفرین خود را دادن و شرح آن. (برگ ۲۱)
- ◆ استغاثه نمودن قوم به جهت فوت شدن اطفال درپیش سلطان سکندر بت شکن و متهم داشتن حضرت شیخ را. (برگ ۲۳)
- ◆ شیر طلبیدن والده حضرت شیخ و بیرون آوردن شیر از میان سنگ و دعوکردن والده که به شیر من گوشت و استخوان پوست پیدا کردی و انداختن شیخ وجود خاکی. (برگ ۲۵)
- ◆ ذکر احوالات خادم الفقرا حضرت بابا نصرالدین و هدایت یافتن او به عنایت ایزدی و توجهات سرمدی به واسطه حضرت شیخ قدس سره. (برگ ۲۷)
- ◆ در بیان شهرت یافتن حضرت شیخ در عالم و عالمیان و عزم نمودن سلطان به جهت امتحان. (برگ ۲۹)
- ◆ در بیان آمدن لولی به جهت فریفتن حضرت شیخ و مکالمه و مجادله نمودن وی با حضرت شیخ و هدایت یافتن لولی. (برگ ۳۱)

- ◆ شهرت یافتن حضرت شیخ به جهت هدایت یافتن لولی و از غار برآمدن و بومه سادو که عبارت از بابا بام‌الدین است، به اسلام آوردن. (برگ ۳۴)
- ◆ رفتن حضرت شیخ در بتخانه چمره گاو بردوش گرفته مجادله و مکالمه نمودن همراه بومه سادو به جهت اسلام دین متین. (برگ ۳۵)
- ◆ اشارت کردن حضرت شیخ طرف بتان و همه کلمه شهادت بر زبان راندن و به یکتایی او سبحانه و رسالت رسول خدا^(ص) اقرار دادن و مسلمان شدن بومه سادو و ملقب به بابا بام‌الدین شدن. (برگ ۳۸)
- ◆ بیگاری گرفتن بابا بام‌الدین را دوکس از خاصگان سلطان و کوزه شراب بردوش او نهادن و هدایت یافتن به برکت او. (برگ ۳۸)
- ◆ رفتن برهمن از صفای باطن به طرف بهشت و رفتن حضرت شیخ به دنبال وی و از احوال وی پی بُردن و مکالمه باهمدیگر کردن. (برگ ۳۹)
- ◆ هدایت یافتن دو دختر آهنگران. هر دو در درج معرفت مهر برج حقیقت بودند. نام یکی وسد و نام دیگری دت بوده. شاگردان جناب حضرت شیخ‌العالم بودند. (برگ ۴۲)
- ◆ ذکر احوالات بابا سزن ریشی و مستفید شدن او از نظر فیض اثر حضرت شیخ. (برگ ۴۳)
- ◆ هدایت یافتن آن جوانان که بار بردوش گرفته بودند و حضرت شیخ تفقّد حال ایشان نمودن و آنها از اشاره حضرت شیخ ترک دنیا نمودن. (برگ ۴۳)
- ◆ ذکر زاد و بوم سرحلقه یقین زبده ریشیان روی زمین جناب حضرت بابا زین‌الدین. (برگ ۴۴)
- ◆ پدرود نمودن والده ماجده خود را آن قطب‌الواصلین جناب زین‌الدین ریشی و هم احوالات‌شان. (برگ ۴۸)
- ◆ در بیان حقیقت آن غار که جناب بابا زین‌الدین نشستن آن از مرشد مأمور شد. چون در آنجا دیوی مجسم نشسته و آن دیو مردم شهر را اذیت می‌داد و کشته شدن آن دیو از دست عیش سن که پهلوانی در عهد ماضی بود و شرح آن. (برگ ۴۹)

- ◆ در بیان بیرون آمدن ماران از غار و قرارگرفتن بابا زین‌الدین ریشی با شکوه و وقار و در شرح احوالات ایشان. (برگ ۵۱)
- ◆ در بیان اسلام آوردن و ترک دنیا نمودن آن پیشوای عارفین بابا لطیف‌الدین در پیش آن آفتاب جلی جناب حضرت شیخ نورالدین ولی قدس سره. (برگ ۵۳)
- ◆ ذکر در بیان سیاحت نمودن حضرت شیخ به قدم تجرید و تفرید در همه پُرگنات و دهات و مقام گرفتن در قریه دریگام موجب اشاره غیبی. (برگ ۵۵)
- ◆ ذکر در بیان آمدن سیدالسادات، محرم بارگاه سبحانی حضرت سید محمد همدانی قدس سره با مشایخ پدر بزرگوار جناب امیرکبیر میر سید علی در پیش شیخ نورالدین ولی و کامل و کامیاب نمودن ایشان. (برگ ۵۷)
- ◆ ذکر در بیان بیرون آمدن حضرت شیخ از کمال وجدان و غریق بحر وحدت شدن دم از مطلق زدن. بابا نصرالدین در خدمت او اظهار نمودن و ایشان به موجب شریعت کار فرمودن. (برگ ۶۰)
- ◆ ذکر رحلت و تکفین و تدفین آن آفتاب روی زمین و شاهباز سدره‌نشین جناب شاه نورالدین قدس سره و تب و تاب جماعه ریشیان. (برگ ۶۲)
- ◆ ذکر در بیان فرستادن دختران عارفه بابا نصرالدین بعد از وفات جناب شیخ نورالدین قدس سره به جانب بابا زین‌الدین که به جهت تکفین و تجهیز حضرت شیخ حاضر شود و ابا نمودن او و باز رفتن بابا نصرالدین و کیفیت آن. (برگ ۶۳)
- ◆ ذکر سلطان‌الوفا، خلیفه اولین جناب بابا بام‌الدین قدس سره و آمدن پادشاه اسلام سلطان زین‌العابدین در خدمت ایشان. (برگ ۶۵)
- ◆ ذکر سرحلقه آگاهان و عارف بالیقین بابا شمس‌الدین. (برگ ۶۶)
- ◆ ذکر نوبهار درویشی جناب میر بابا ریشی که خادم و شاگرد حضرت بابا شمس‌الدین بود. (برگ ۶۷)

حضرت نورالدین به دست مبارک
حضرت سید میر محمد بن سید
علی همدانی بیعت نمود و خلیفه
و مجاز او گشت و به خطاب
«قطب‌الآفاق» مشرف گشت.

- ◆ ذکر خاص درگاه باری بابا حیدر لاری ریشی که خلیفه حضرت بابا بام‌الدین بود و عاشق شدن زنی که در خانه خادم او بود و اجتناب نمودن از او. (برگ ۶۸)
- ◆ ذکر سپهسالار کشور یقین یگانه گوهر تمکین بابا شکورالدین. (برگ ۶۹)
- ◆ ذکر حقایق آگاه پیشوای اهل یقین بابا رجب‌الدین قدس سره. (برگ ۶۹)
- ◆ ذکر عارف بالله محرم راز درویشی بابا نوروز ریشی قدس سره. (برگ ۷۱)
- ◆ ذکر سپهسالار ملک درویشی، بابا هروریر ریشی که جانشین بابا نونده ریشی قدس سره بود. (برگ ۷۳)
- ◆ ذکر زبده نیکوکیشان، جناب بابا نونده ریشی قدس سره. (برگ ۷۳)
- ◆ ذکر حاجی‌الحریمین بابا حاجی ریشی. (برگ ۷۴)
- ◆ ذکر حالات بابا حاجی ریشی نشستن به جای مرشد و کارهای دشوار به جهت کشف اسرار. (برگ ۷۵)
- ◆ ذکر وفات پیر طریقت، رهبر اسرار معانی جناب بابا بام‌الدین قدس سره. (برگ ۷۶)
- ◆ ذکر کرامات و مقامات بابا زین‌الدین ریشی و آب آوردن ایشان از چشمه که به جهت او از فضل الهی صادر شده و رسیدن آب در لنگر. (برگ ۷۷)
- ◆ ذکر عارف پرنور حضرت بابا اوتر تهاکور و شرح حسب و نسب ایشان. (برگ ۷۸)
- ◆ در بیان بیگاری گرفتن خادم خاص آن زبده‌العارفین بابا زین‌الدین و آب بندشدن به جذبۀ ایشان. (برگ ۷۸)
- ◆ ذکر برگزیده ربانی مولانا شمس‌الدین و رفتن در کعبه شریف و یافتن شیخ‌الحرم شیخ عبدالحکیم و دیدن مرتبه پیر خود بابا زیب‌الدین و شرح آن. (برگ ۷۹)
- ◆ ذکر سرحلقه مشایخان طریقت حضرت بابا شکورالدین قدس سره. (برگ ۸۱)
- ◆ ذکر از نور معرفت پُر بابا دُر قدس سره. (برگ ۸۲)
- ◆ ذکر پادشاه ملک درویشی جناب بابا ریگی قدس سره. (برگ ۸۳)
- ◆ ذکر خادمان بابا ریگی ریشی. (برگ ۸۳)
- ◆ ذکر خضر دریای هدایت و الیاس رهنمای طریقت بابا حنیف‌الدین ریشی. (برگ ۸۴)

- ◆ ذکر حضرات سادات قدس اسرارهم که در کشمیر جنت نظیر جلوه پیرا شده‌اند. (برگ ۸۵)
- ◆ ذکر در بیان خراب نمودن بتخانه کشمیر جناب حضرت امیرکبیر و طرز خانقاه نمودن به جهت تعلیم و تدریس. (برگ ۸۸)
- ◆ ذکر حضرات سادات که همراه جناب حضرت میر سید علی همدانی قدس سره تشریف آورده بودند و خلق را رهنمائی نمودند. (برگ ۸۹)
- ◆ ذکر شیخ الاصفیا بابا مبارک ریشی. (برگ ۹۴)
- ◆ ذکر قطب العارفین بابا پیام‌الدین. (برگ ۹۵)
- ◆ ذکر هدایت الواصلین بابا دریاء‌الدین. (برگ ۹۶)
- ◆ ذکر قلزم امامت بابا لدی قدس سره. (برگ ۹۷)
- ◆ ذکر سرحلقه ارباب یقین جناب بابا زین‌الدین قدس سره و تکلیف نمودن پادشاه زمانه ایشان را و رفتن تبّت و شرح حالات او و ذکر وفات ایشان قدس سره. (برگ ۹۹)
- ◆ ذکر زبده اهل یقین جناب بابا لطیف‌الدین و در اوصاف خادم ایشان یعنی شیخ بابا هرباز. (برگ ۱۰۱)
- ◆ ذکر آن ستوده بهمه کمال بابا لچم‌الدین ریشی و بابا اننت ریشی قدس سره. (برگ ۱۰۴)
- ◆ ذکر آن کبار مشایخ بابا نوری قدس سره. (برگ ۱۰۵)
- ◆ ذکر وفات بابا جندی که از یاران جناب نوروز ریشی بود. (برگ ۱۰۵)
- ◆ ذکر بابا بهرام ریشی که از خادمان برگزیده جناب بابا نوری ریشی بود. (برگ ۱۰۵)
- ◆ ذکر آن زبده اولیای زمان جناب بابا نصرالدین قدس سره. (برگ ۱۰۶)
- ◆ ذکر آن شهسوار ولایت جناب بابا لولی حاجی قدس سره. (برگ ۱۰۷)
- ◆ ذکر آن دو برادر که یکی را روپی ریشی نام و دوم را ازینه ریشی نام بوده از یاران جناب بابا نصرالدین ریشی قدس سره. (برگ ۱۰۷)
- ◆ ذکر حالات شیخ زمان حضرت بابا گنگ ریشی قدس سره. (برگ ۱۰۹)
- ◆ ذکر رابعه ثانیه عارفه زاهده سنگا بانو. (برگ ۱۰۹)

- ♦ ذکر بدرقه کاروان توکل بابا نیکی ریشی قدس سره. (برگ ۱۱۰)
- ♦ ذکر کامل طایفه پرهیزگار جناب بابا نوروز ریشی قدس سره. (برگ ۳-۱۱۱)
- ♦ مناجات و تحیات حضرت قاضی الحاجات در آموزش تقصیرات که از این مجرم عاصی به‌ظهور آمده است. (برگ ۱۱۴)
- ♦ تمت شد کتاب مستطاب بعون عنایت ملک الوهاب. (برگ ۱۱۴)

شاعر «ریشی‌نامه» حضرت ملأ بهاء‌الدین، توسط این مثنوی، نه تنها احوال ریشیان کشمیر را روشن کرده است، بلکه تاریخ تصوّف در کشمیر را هم زنده کرده است. راجع به این مثنوی، این نکته درخور یادآوری است که بعضی از ریشیان کشمیر، معاصر ملأ بهاء‌الدین بوده‌اند و او درباره آنها اطلاع اساسی داده که از مآخذ دست اول است و از جایی نگرفته است. اگر این مثنوی «ریشی‌نامه» نبود، احوال بعضی از ریشیان کشمیر از دست می‌رفت. حضرت ملأ بهاء‌الدین در فن شعر و بلاغت سلطه کامل داشت و در زبان سهل و سخن مختصر افکار تازه خویش را به خوانندگان می‌رساند. شعر حضرت ملأ بهاء‌الدین، با وجود آنکه ساده و سهل است، تأثیر و نفوذ فراوان دارد. مثنوی «ریشی‌نامه» از لحاظ محتوی و مطالب و تسهیل کار، نه تنها در ادبیات کشمیر بلکه در ادبیات فارسی، سراسر جهان، فناپذیر و ماندنی است

در آخر این مقاله، به‌طور نمونه چند اشعار از «ریشی‌نامه» نقل می‌شود که شاعر در تحت عنوان «بیان تولد جناب شیخ نورالدین نورانی قدس سره و شرح احوالات ایشان در عهد طفولیت تا عنفوان جوانی» سروده است:

چون تولد شد آن خجسته نهاد	بود یک کم ز هفتصد و هشتاد
آن زمان که ظهور او گردید	خانه روشن ز نور او گردید
سه شبانروز قطره‌ای از شیر	نکشید از کمال نور ضمیر
بعد سه روز مست جام شهود	لله دیوانه سوی او فرمود
ز آمدن چون نه شرمساری تو	از چشیدن چه شرمساری تو
خنده‌ای زد ز تیز هوشی‌ها	گشت مشغول شیر نوشی‌ها
تا که آن آفتاب تابنده	شد چو سر و سهی خرامنده
پدر از این جهان سفر کردش	مادر از جان و دل پیروردش

چون جوان شد بدرّ یکتایی
 یافت همخوابهٔ سراپا نور
 در همین یک دو سال پی در پی
 پسری همچو ماه رخسنده
 مادر از راه مهربانیها
 کای پسر چون عیالمند شدی
 حرفه‌ای کرد بایدت ناچار
 گفت با چیز هیچ کارم نیست
 گفت آخر چه میکنی باری
 گفت قوتم خدای خواهد داد
 همه را رزق می‌رساند او
 کی فراموش می‌کند ما را
 چشم دارم ز پای تا فرقم
 مادر مهربان مباش غمین
 منعقد ساختندش از جایی
 چشم بد دور غیرت صد حور
 شد تولّد دو گوهرش از وی
 دختری همچو ماه تابنده
 داد پندش بخوش زبانیها
 بکمند عیال بند شدی
 تا که آسان شود ترا این بار
 دزدی و رهنزی شعارم نیست
 بکن از بهر قوت خود کاری
 هم ثبوتم خدای خواهد داد
 قسمت رزق نیک داند او
 خود صفا نوش می‌کند ما را
 کند از نور معرفت غرقم
 از پی قوت من بدین آئین

بخدای خودم سپار کنون

تا چه آید بین ز پرده برون^۱

منابع

۱. نسخهٔ خطّی «ریشی‌نامه»، مخزونهٔ کتابخانهٔ خدابخش، پتنه.
۲. سروری، پروفیسور عبدالقادر: کثیر میں فارسی ادب کی تاریخ، انتشارات مجلس تحقیقات اردو کشمیر، سرینگر، چاپ ۱۹۲۸ م.
3. *Descriptive Catalogue of Persian Manuscripts*, Vol. 31, compiled by Molvi Abdul Muqtadir, published by Khuda Bakhsh Library, Patna, 1932 A.D., p. 154.

۱. نسخهٔ خطّی «ریشی‌نامه»، مخزونهٔ کتابخانهٔ خدابخش، پتنه، برگ ۱۱.